

سن شروع دریافت آموزش به زبان انگلیسی، بافت های غیر معمول، و دانش واژگان در زبان دوم

محمد عاصف قریشی

دانشگاه زاید، امارات متحده عربی

مطالعه حاضر، تفاوت بین دانش واژگان فراگیران عرب زبانی که سن شروع دریافت آموزش به زبان انگلیسی آنها در سطوح ابتدایی، متوسطه و عالی بود را بررسی نمود. نود دانشجوی مقطع کارشناسی ثبت نامی یکی از دانشگاه های دولتی امارات متحده عربی، در این مطالعه شرکت کردند. جمع آوری داده ها با استفاده از یک پرسشنامه اطلاعات زمینه ای، یک فعالیت سنجش دامنه واژگان و یک فعالیت سنجش عمق واژگان انجام گردید. با استفاده از اطلاعات به دست آمده در پرسشنامه زمینه ای، شرکت کنندگان به زبان آموزان زودآموز، میان آموز و دیرآموز -کسانی که، به ترتیب، در سطوح ابتدایی، متوسطه و عالی به زبان انگلیسی آموزش دیده بودند- تقسیم شدند. نتایج به دست آمده تاثیر معنادار چندمتغیره سن شروع بر دامنه واژگان را نشان داد. تجزیه و تحلیل متعاقب داده ها صرفا نشان دهنده تاثیر معنادار بر اندازه واژگان بود؛ چنین تاثیری بر روی عمق واژگان مشاهده نگردید. استنباط های نظری، روش شناختی و آموزشی یافته های حاضر در این مطالعه مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند.

قصه گوی دیجیتال: «اجازه بدهید از فرهنگ محلی ام برایتان بگویم»

دنا کریستوان، دانشگاه ۱۷ آگوست، اندونزی

سندی فردیان سیاه، دانشگاه آقما اسلام نگری، اندونزی

میشل پیکارد، دانشگاه مرداخ، استرالیا

صقه گویی دیجیتال یک رویکرد پذیرفته شده جهانی به آموزش زبان انگلیسی است. اما در بافت آموزش انگلیسی به عنوان زبان خارجی کشور اندونزی، قصه گویی به عنوان یک رویکرد آموزشی، به ویژه توانایی آن در ایجاد پل ارتباطی بین فرهنگ بومی دانش آموزان و فرهنگ انگلیسی، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. ما در این مطالعه، تاثیر یک پروژه روایی قصه گویی مبتنی بر فرهنگ محلی بر روی توانایی دانش آموزان دبیرستانی اندونزیایی در معناسازی در زبان انگلیسی را گزارش می نماییم. به عنوان بخشی از یک رویکرد مطالعه موردی، از روش های مختلف جمع آوری داده های کیفی، از جمله مصاحبه های گروهی متمرکز، مجلات بازاندیشی دانش آموزان، مشاهدات کلاس درس و محصول قصه گویی، استفاده کردیم. در نهایت برای تفسیر داده ها از رونویسی چندوجهی و تحلیل محتوای موضوعی استفاده شد. این مطالعه نشان می دهد که داستان دیجیتال ابزار مؤثری برای بیان هویت دانش آموزان و معناسازی از طریق داستان های فرهنگ محلی آنها است. همچنین، شرکت در این فعالیت ها به بالا رفتن انگیزه دانش آموزان منجر گردید. کار مشترک گروهی به دانش آموزان در معناسازی، تمرکز بر موضوعات مرتبط با مسائل شخصی، و کاهش استرس کمک کرد و به آنها اجازه داد تا بر برقراری ارتباطات تمرکز کنند. همچنین، استفاده از فرهنگ محلی به دانش آموزان در ایجاد پلی بین عبارات و محتوای واژگانی آشنا و واژگان و محتوی

فرهنگی انگلیسی کمتر شناخته شده یاری رساند و به تعامل و موفقیت بیشتر در زبان انگلیسی منجر شد. از دیدگاه عملی نیز یادگیری مبتنی بر پروژه قصه گویی به معلمان زبان انگلیسی کمک کرد تا تجربیات یادگیری واقعی و ارتباطی را در یک برنامه درسی فشرده ادغام کنند.

روش پیچیده مبتنی بر ژانر برای آموزش نگارش دانشگاهی

جولیا گوزمنکووا، ماریا اریکینا

دانشگاه ملی تحقیقات، روسیه

اساتید آموزش و پژوهش های معاصر در حوزه آموزش زبان انگلیسی برای اهداف دانشگاهی مدام در حال تشریح روشهای جدید بهتر و ارزیابی روش های مورد استفاده فعلی در راستای تسهیل رشد علمی فراگیران هستند. مقاله حاضر، که ریشه در انگیزه محققین برای درک دشواری های فراگیران سطوح دانشگاهی در کسب بسندگی انگلیسی دانشگاهی دارد، گزینه های موجود برای آموزش انگلیسی با اهداف دانشگاهی به فراگیران را مورد بررسی قرار می دهد و نتایج یک مطالعه تجربی در بافت آموزش عالی روسیه را ارائه می نماید. تمرکز این مقاله بر تحلیل طرح های پیشنهادی پروژه های تحقیقاتی ۱۹۲ دانشجوی استوار است. رویکرد ارائه شده تا حد زیادی با سنت های تحلیل ژانر مطابقت دارد و برخی از ویژگی های جدید و عناصر مرسوم ژانر و محصول و فرآیند را با هم ترکیب می کند و هسته اصلی آن نیز مدل سوزلی است. نوآوری ها بر استفاده از عبارات الگویی تکرار شونده که به عنوان مجموعه ای از الگوهای ساختاری در دسته بندی های عملکردی مبتنی بر ژانر گروه بندی شده و در چارچوب طرح پیشنهادی پروژه سازماندهی گردیده اند دلالت دارند. مقاله حاضر، امکان استفاده و عملیاتی سازی این روش پیچیده ارائه شده توسط نویسندگان در سنجش معیارمحور عملکرد نوشتاری فراگیران توسط ارزیاب های مستقل با استفاده از مقیاس های سنجش تحلیلی را بررسی می کند. مزایای روش مورد بحث عمدتاً به بهبود سبک نگارش دانشگاهی و سازماندهی متن مربوط می شود، و اتخاذ رویکرد یادگیرنده محور به فراگیران کمک می کند تا مدل های خود را برای نوشتن گام به گام طرح های پیشنهادی پروژه های تحقیقاتی ابداع نمایند. یافته های این مطالعه می تواند در حوزه آموزش انگلیسی برای اهداف دانشگاهی در محیط های آموزشی غیر انگلیسی کاربرد داشته باشد.

آموزش اصول تعامل از طریق مدل سازی: تغییرات در الگوهای مشارکتی فراگیران زبان انگلیسی

الهام رستمی درونکلا، باقر یعقوبی و فاطمه خونمیری

دانشگاه مازندران، ایران

گرچه تحقیقات پیشین، کاربرد کارهای دو نفره را در یادگیری زبان انگلیسی موثر دانسته اند، برخی دیگر از مطالعات نشان داده اند که صرف انجام کارهای دو نفره بدون آگاه سازی زبان آموزان در مورد هنجارها و اصول تعامل موثر، لزوماً منجر به فرصت یادگیری مناسب و موثر نخواهد شد. در این مطالعه، ما به بررسی نقش آموزش اصول تعامل از طریق مدل سازی بر روی ساختار تعاملات زبان آموزان در طول زمان می پردازیم. در این مطالعه با بکارگیری روش مطالعه موردی، تعاملات یک زبان انگلیسی آموز با سطح زبانی متوسط با دیگر همکلاسیها در یک کلاس متعارف مورد بررسی قرار گرفت. در این واحد درسی، هر زبان آموز در هر جلسه سه بار به تعریف داستان خود می پرداخت. بیان شفاهی داستان در این کلاس به صورت گروهی ولی با مخاطبین مختلف انجام می پذیرفت. به منظور بررسی تاثیر مدل سازی بر روی الگوی مشارکتی فراگیران زبان انگلیسی، در جلسه پنجم، نحوه انجام تعامل با هدف آموزش چگونگی برقراری تعامل مناسب برای زبان آموزان در کلاس به صورت زنده اجرا شد. تحلیل و مطالعه داده‌های ضبط شده از عملکرد این زبان آموز در جلسات قبل و بعد از مدل سازی نشان می‌دهد که ارائه مدل منجر به افزایش کیفیت الگوی تعاملی وی و سایر یادگیرندگان شده است. این مطالعه ضمن نشان دادن اهمیت آموزش اصول تعامل، مدل سازی را به عنوان یک تکنیک آموزشی مفید در آموزش اصول تعامل برای آموزش زبان انگلیسی مورد تأکید قرار می‌دهد و آن را برای آموزش زبان آموزان در اجرای تعاملات معنادار توصیه می‌کند.

بررسی اکولوژیک تصورات هدفمند فراگیران ایرانی زبان انگلیسی به عنوان یک زبان خارجی

لاله ثریایی، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)، ایران

مجید الهی شیروان، دانشگاه بجنورد، ایران

امید اکبری، دانشگاه بین المللی امام رضا (ع)، ایران

مفهوم سازی‌های اخیر انگیزه یادگیری زبان دوم، تصورات هدف محور زبان آموزان زبان مقصد را به عنوان ویژگی اصلی جریان‌های انگیزشی جهت یافته در نظر گرفته‌اند. جریان‌های انگیزشی جهت یافته دوره ای از انگیزه بالا و پایدار برای دستیابی به یک بینش شخصی مطلوب می باشد. مطالعه حاضر، یک مطالعه چند موردی را گزارش می‌دهد که به منظور بررسی عوامل مؤثر بر فرآیند تولید دیدگاه زبان آموزان در ایران بر اساس مدل دورنیه و کوبانیووا (۲۰۱۴) طراحی شده است. با در نظر گرفتن اینکه مفاهیم انگیزه و دیدگاه زبان آموزان دیگر به عنوان عوامل رفتاری خطی در نظر گرفته نمی شوند، بلکه به عنوان عواملی پویا و دائماً در حال نوسان هستند، مطالعه حاضر یک رویکرد تحلیلی بوم شناختی را در رابطه با موضوع اتخاذ کرده است. این پژوهش با به کارگیری مدل اکوسیستم های لایه ای برونفینر (۱۹۷۹، ۱۹۹۳) که شامل چهار لایه میکروسیستم، مزوسیستم، اگزوسیستم و ماکروسیستم میباشد به بررسی ماهیت پویایی دیدگاه ها و انگیزه های زبان آموزان پرداخته است. شرکت

کنندگان این پژوهش چهار دانشجو بودند و داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته، یادداشت‌ها و مشاهدات کلاسی در یک دوره شش ماهه جمع‌آوری شد. یافته‌های این مطالعه وجود عوامل و قابلیت‌های اکوسیستمیک متفاوتی را در ظهور تصورات هدف‌محور شرکت‌کنندگان نشان داد. آنها به عواملی نظیر انتظارات والدین و رفتار معلمان در لایه میکروسیستم، تجربیات پیشینه فراگیران در دبیرستان در لایه مزوسیستم، انواع آزمون‌ها و مطالب در لایه اگزوسیستم و روحیه رقابتی ایرانیان در لایه ماکروسیستم اشاره کردند.

نقش استقلال و بازاندیشی معلم زبان انگلیسی ایرانی در یادگیری خودراهبر: مرور نظام مند مطالب

مینا حسن زاده امینی، کورن گردا کروگر

دانشگاه نورت وست، آفریقای جنوبی

در سرتاسر جهان، موانع مختلفی فراگیران انگلیسی به عنوان زبان خارجی را از توسعه مهارت‌های ارتباطی باز می‌دارند. در ایران نیز نگرانی‌هایی در این خصوص مطرح شده است. از جمله دو موضوع مهمی که از انبوه مطالب منتشر شده در مورد علل نتایج ضعیف یادگیری زبان انگلیسی در ایران پدیدار می‌شوند، می‌توان به نیاز معلم به بازاندیشی و استقلال اشاره کرد. تحقیقات علمی منتشر شده در خارج از بافت آموزش زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی، اهمیت این دو مفهوم به عنوان مؤلفه‌های ضروری یادگیری خودراهبر معلم به عنوان پیش‌نیاز تحول در آموزش را برجسته می‌سازند. تأکید مستمر بر روی این دو عنصر در متون مرتبط با آموزش زبان انگلیسی در ایران، انجام مطالعه مروری نظام مند فعلی با هدف تعیین رابطه احتمالی بین آنها و به ویژه نقش چنین رابطه‌ای در یادگیری خودراهبر معلمان زبان انگلیسی به منظور تغییر نتایج ضعیف یادگیری را موجب شده است. پژوهشگران حاضر با استفاده از معیارهای پذیرفته شده برای گزینش داده‌ها، ابتداء ۱۰۰۶ مقاله را شناسایی و سپس، تعداد ۴۳ مقاله را برای تجزیه و تحلیل انتخاب نمودند. شش موضوع مستخرج از تجزیه و تحلیل داده‌ها، قدرت رابطه بین استقلال معلم زبان انگلیسی، بازاندیشی معلم و یادگیری خودراهبر معلم را نشان می‌دهند. اگر هدف نقش آفرینان حوزه آموزش زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی، نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان، ایجاد تحول در عملکردهای آموزشی است، باید به دیدگاه‌های مطرح شده در متون حاضر پیرامون عواقب کم ارزش شمردن جایگاه استقلال و بازاندیشی معلم در دوره‌های آموزش معلم زبان انگلیسی توجه نمایند.

تأثیر آموزش متمایز بر پیشرفت، انگیزه و استقلال فراگیران انگلیسی به عنوان زبان خارجی

ملک ساپان، انیسا میده

دانشگاه باهجه شهیر، ترکیه

آموزش متمایز، به عنوان یک راهبرد آموزشی که بر دشواری‌های رفع نیازها و توجه به ویژگی‌های فردی در محیط‌های آموزشی فراگیر تمرکز دارد، اخیراً توجه زیادی را در حوزه آموزش به خود جلب کرده است. مطالعه حاضر با هدف بررسی اثرات آموزش متمایز بر پیشرفت تحصیلی، انگیزه یادگیری و استقلال فراگیران زبان انگلیسی به عنوان زبان خارجی در یک مدرسه دولتی در شهر استانبول، ترکیه، انجام گردید. این مطالعه تلاش کرد تا دیدگاه فراگیران و معلم آنها درباره استفاده از آموزش متمایز در تمرین‌های کلاسی را بررسی نماید. بیست و چهار دانش آموز ثبت نام کننده در برنامه زبان انگلیسی پایه هشتم (سطح متوسطه) به همراه معلم انگلیسی خود در این مطالعه شرکت کردند. داده‌ها به صورت کمی و با استفاده از پرسشنامه انگیزه فراگیری زبان خارجی، آزمون‌های پیشرفت تحصیلی و پرسشنامه استقلال فراگیر و نیز به صورت کیفی از طریق مصاحبه با دانش آموزان و مجله بازاندیشی معلم جمع آوری شدند. یافته‌ها نشان داد که ادغام آموزش متمایز باعث افزایش سطح پیشرفت تحصیلی شرکت کنندگان و همچنین بهبود انگیزه و استقلال آنها می‌شود. فراگیران و معلم آنها آموزش متمایز را در یادگیری و تدریس زبان انگلیسی موثر و مفید دانستند. بر اساس این یافته‌ها، مطالعه حاضر پیشنهادات و نکات آموزشی درباره ادغام آموزش متمایز در کلاس‌های زبان انگلیسی را ارائه می‌دهد.